

بررسی فرآیند دلبستگی به مکان در مطالعات شهری با رویکرد روان‌شناسی شناختی

محمدتقی پیربابایی

دانشیار، دکتری طراحی شهری، دانشکده
معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی

تبریز

مینو قره‌بگلو

استادیار، دکتری معماری، دانشکده معماری و
شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز

زهرا علی‌نام*

دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری،
دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر
اسلامی تبریز

*نشانی تماس: دانشکده معماری و
شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی، تبریز، ایران.
z_alinam67@yahoo.com

هدف: یکی از معانی مهم و مؤثر در ارتباط انسان و محیط که مورد توجه طراحان بوده است، دلبستگی به مکان می‌باشد. دلبستگی مکانی به عنوان مفهومی چندبعدی با ابعاد شخصی، فرآیند روان‌شناختی و مکانی، مورد بررسی قرار گرفته است. تاکنون مطالعات فراوانی در زمینه دلبستگی به مکان صورت گرفته و متخصصین حوزه‌های مختلف طراحی، روان‌شناسی، روان‌شناسی محیطی، جامعه‌شناسی و ارتباط‌شناسی تحقیقات متعددی انجام داده و ابعاد محیطی و انسانی این ارتباط را مورد بررسی قرار داده‌اند. هدف این مطالعه بررسی فرآیند دلبستگی به مکان در مطالعات شهری با رویکرد روان‌شناسی شناختی است. **روش:** روش تحقیق استدلال منطقی است که از تحلیل محتوا در دو حوزه دلبستگی به مکان و روان‌شناسی شناختی بهره گرفته شده است. **یافته‌ها:** فرآیند دلبستگی به مکان دارای عناصر عاطفی، شناختی و رفتاری می‌باشد. فرآیند شناخت در روان‌شناسی شناختی از سه مرحله دریافت اطلاعات محیطی، ذخیره‌سازی و بازیابی تشکیل می‌شود که در این فرآیند مؤلفه‌های توجه، مفهوم‌سازی، تصویرسازی ذهنی و نقشه‌شناختی، تداعی و معنایابی مطرح می‌گردند. روش‌های تحقیق در روان‌شناسی شناختی بر اساس منطق محوری تحقیق مبتنی بر استناد علی، تفسیر، زمینه‌بخشی و پیش‌بینی می‌باشند. **نتیجه‌گیری:** نتایج حاکی از آن است که روان‌شناسی شناختی به عنوان رویکرد علمی می‌تواند در زمینه معرفت‌شناسی با تعریف فرآیند شناخت در چارچوب نظری دلبستگی به مکان و در زمینه روش‌شناسی با ارائه روش‌های تحقیق شناختی در مطالعه فرآیند دلبستگی، در جهت ارائه تصویری کامل‌تر و درکی عمیق‌تر از فرآیند دلبستگی به مکان، مؤثر واقع شود. **کلیدواژه‌ها:** فرآیند دلبستگی به مکان، روان‌شناسی شناختی، شناخت، روش تحقیق.

Place Attachment Process in Urban Studies: A Cognitive Psychology Approach

Introduction: Place attachment is one of the most important and effective meanings in human-environment communication which has attracted many designers. Place attachment has been studied as a multi-dimensional concept with its personal, psychological processes and spatial dimensions. Many studies on place attachment are conducted by the experts in various fields of designing, psychology, environmental psychology, sociology and communication which have investigated the environmental and humanistic dimensions of this concept. The aim of this study is to investigate place attachment process in urban studies through a cognitive psychology approach. **Method:** This logical reasoning study used the content analysis in two fields of cognitive psychology and place attachment. **Results:** The place attachment process possesses emotional, behavioral and cognitive elements. The cognitive process in cognitive psychology includes three stages of receiving, storage and retrieval of environmental information. The components of attention, conceptualization, mental imagery, cognitive map and association are introduced in this process. According to research core logic, research methods of cognitive psychology are based on interpretation, prediction and causal attribution. **Conclusion:** Results indicated that cognitive psychology as a scientific approach can be effective in the field of epistemology by defining the cognitive process in theoretical framework of place attachment and it can also be effective in the field of methodology by offering the research methods in the study of place attachment. The above approaches would potentially provide more comprehensive and deep views about the concept of place attachment.

Keywords: Place attachment process, Cognitive psychology, Cognition, Research method.

Mohammad Taghi Pirbabaei
Associate Professor, PhD in Urban
Design, Architecture & Urbanism
Faculty, Tabriz Islamic Art
University
Minou Gharehbaglou
Assistant Professor, PhD in
Architecture, Architecture &
Urbanism Faculty, Tabriz Islamic Art
University
Zahra Alinam*
MSc Student in Urban Design,
Architecture & Urbanism Faculty,
Tabriz Islamic Art University,

Corresponding Author:
Email: z_alinam67@yahoo.com

مقدمه

نیاز انسان به تعامل عاطفی، شناختی و رفتاری با مکانی که در آن زندگی می‌کند یا به عبارتی «دلبستگی به مکان»^۱ از جمله مهم‌ترین ابعاد رابطه انسان و مکان است که باید مورد توجه معماران، طراحان و برنامه‌ریزان شهری قرار گیرد. در شرایط کنونی که محیط‌های شهری با فقدان دلبستگی به مکان و عدم تعلق شهروندان به مکان‌های شهری مواجه هستند، تنها بررسی محصول محور ابعاد دلبستگی به مکان کافی نمی‌باشد. مطالعات پیشین انجام شده در زمینه دلبستگی به مکان این کیفیت را از بعد نتیجه و محصول مورد بررسی قرار داده‌اند. این نوشتار چارچوبی را پیشنهاد می‌نماید تا معماران و طراحان شهری با بهره‌گیری از ساختار آن، این امکان را بیابند تا در برنامه‌ریزی و طراحی با آشنایی با حس دلبستگی به مکان، به نگرش جامع و کل‌گرایانه‌ای دست یابند و فرآیند محوری^۲ را در عین محصول محوری^۳ در نظر بگیرند.

فرآیند دلبستگی به مکان یا دلبستگی مکانی به عنوان مفهومی چندبعدی و بین‌رشته‌ای که جنبه‌های مختلفی از پیوند مردم با مکان را در هم می‌آمیزد، حوزه‌های مختلف طراحی، روان‌شناسی، روان‌شناسی محیطی، جامعه‌شناسی و ارتباط‌شناسی را در بر می‌گیرد و بکارگیری این حوزه‌ها می‌تواند دریچه متفاوتی از چارچوب نظری فرآیند دلبستگی مکانی را در اختیار محققین قرار دهد.

روان‌شناسی شناختی^۴ یکی از شاخه‌های اصلی علوم شناختی^۵ و یکی از رویکردهای مهم در حوزه علوم روان‌شناختی محسوب می‌شود و هدف اصلی آن، مطالعه ساختارها و سازوکارهای شناختی ذهن و مغز است. موضوعاتی از این قبیل که انسان چگونه و با چه ساختاری به درک، تشخیص و حل مسئله می‌پردازد و این که ذهن چگونه اطلاعات دریافتی از حواس (مانند بینایی یا شنوایی) را درک می‌کند و یا اینکه حافظه انسان چگونه عمل می‌کند و چه ساختاری دارد؛ از عمده مسائل قابل توجه دانشمندان این رشته می‌باشد. تمرکز اصلی روان‌شناسی شناخت بر کشف چگونگی کسب، پردازش و ذخیره‌سازی اطلاعات در انسان‌هاست. روان‌شناسی شناختی در معنای خاص‌تر آن، مطالعه نحوه ادراک، یادگیری و یادسپاری و تفکر افراد در مورد اطلاعات (۱) و بررسی ارتباط بین ویژگی‌های شخصیتی افراد با بازیابی حافظه سرگذشتی^۶

آنان است (۲). روان‌شناسی شناختی به کلیه فرآیندهای اشاره دارد که توسط آن، درون‌داد حسی تغییر شکل، کاهش، گسترش می‌یابد، ذخیره می‌شود، بهبود می‌پذیرد و نهایتاً به کار برده می‌شود (۱). طی چند دهه اخیر، یافته‌های محققانی که در این حوزه فعالیت می‌کنند تحولاتی جدی در فهم انسان از پدیده‌هایی مانند ادراک، حافظه، یادگیری، استدلال، داوری، تصمیم‌گیری، تفکر، هوش، خلاقیت، زبان، آگاهی و شناخت اجتماعی ایجاد کرده است. این تحولات با توجه به ظهور فناوری‌های نوین تصویربرداری و تحریک مغزی، در سال‌های اخیر شتاب بیشتری نیز یافته است.

هدف این نوشتار بررسی نقش و جایگاه رویکرد روان‌شناسی شناختی در مطالعه فرآیند دلبستگی به مکان می‌باشد. بر این اساس و با فرض مفروضات معرفت‌شناسی^۷ و روش‌شناسی^۸ روان‌شناسی شناختی به تحلیل و بررسی ابعاد مختلف علمی این رویکرد در مطالعات محیطی پرداخته شده و در انتها مدلی جهت تعیین جایگاه این رویکرد در مطالعه چارچوب نظری فرآیند دلبستگی به مکان ارائه شده است.

روش

این نوشتار با این پیش‌فرض که بکارگیری روان‌شناسی شناختی به عنوان رویکردی علمی در مطالعه فرآیند دلبستگی به مکان منجر به فهمی عمیق و علمی از انسان در مطالعات محیطی می‌شود، در پی پاسخگویی به سؤالات زیر است:

- ۱- روان‌شناسی شناختی در فرآیند دلبستگی به مکان چه نقشی و چگونه می‌تواند ایفا کند؟
 - ۲- عوامل تأثیرگذار بر مؤلفه‌های فرآیند شناخت در چارچوب دلبستگی به مکان کدامند؟
- در راستای پاسخگویی به این سؤالات این نوشتار با روش استدلال منطقی، از تحلیل محتوا در دو حوزه روان‌شناسی شناختی و دلبستگی به مکان بهره گرفته است. بدین منظور در گام نخست پس از معرفی رویکردهای روان‌شناسی در مطالعات انسان و محیط،

- | | |
|-------------------------|----------------------------|
| 1. Place Attachment | 5. Cognitive Science |
| 2. Process oriented | 6. Autobiographical Memory |
| 3. Product oriented | 7. Epistemology |
| 4. Cognitive Psychology | 8. Methodology |



نمودار ۱- رویکردهای روان‌شناسی در مطالعات انسان- محیط

می‌کند. از این منظر فرآیندهای ذهنی شامل توجه، یادگیری، حافظه، تجربه منجر به تشکیل نقشه شناختی، تصویر ذهنی و معنابخشی به محیط می‌شود و رفتار انسان تحت تأثیر این فرآیندهای ذهنی انجام می‌گیرد. در رویکرد شناختی، فرآیندهای شناختی را زیربنای رفتار در نظر گرفته و رفتار را به کمک آن توصیف می‌کنند. رفتار هر فرد در این رویکرد به برداشت او از محیط و حتی "خود" وجودی وابسته است (۱، ۴). ذهن در رویکرد شناختی سیستمی شبیه به رایانه دارد که اطلاعات را گرفته، آنها را پردازش، کدگذاری، تفسیر، ذخیره و بازیابی می‌کند و از این طریق منشأ رفتار می‌شود.

در رویکرد شناختی به دلبستگی که بسیار نزدیک با مفهوم هویت مکانی است، به بحث‌های فرد به عنوان بخشی از محیط، محیط به عنوان بخشی از هویت فرد، سازگاری و هماهنگی فرد و محیط می‌پردازد. هویت مکانی زیرساختی شناختی است و بنابراین فرآیندهای شناختی دخیل در شکل‌گیری هویت مکانی، مشابه فرآیندهای است که اساس شکل‌گیری ساختارهای شناختی دلبستگی به مکان می‌باشند. در واکاوی این فرایند بکارگیری علوم مرتبط با فرایند شناخت انسان و ارتباط بین انسان و محیط دارای اهمیت می‌باشد و از آنجاییکه روان‌شناسی شناختی به عنوان بخشی از حوزه وسیع‌تر و گسترده‌تر علم شناخت، به مطالعه رابطه فرآیندهای فکری انسان با محیط می‌پردازد، آشنایی با ساختارهای شناختی و روش‌های نوین پژوهشی در این حوزه اطلاعات باارزشی را در اختیار طراحان قرار خواهد داد.

چارچوب نظری دلبستگی به مکان

دلبستگی به مکان در روان‌شناسی و مطالعات محیطی از موضوعات مورد توجه بوده است. واژه دلبستگی به مکان به تأثیر عاطفی یک مکان اشاره دارد که افراد به لحاظ حسی و فرهنگی به آن جذب می‌شوند. تأثیر حسی، عاطفی و درونی مکان بر انسان، مرکز تفکر دلبستگی به

رویکرد شناختی به عنوان رویکرد نوشتار در مطالعه فرایند دلبستگی به مکان انتخاب می‌گردد. در گام دوم بر پایه مرور متون و پیشینه تحقیق در این حوزه، ضمن ارائه تعاریف دلبستگی به مکان، به تبیین عناصر و فرایند شکل‌گیری رابطه انسان و مکان با رویکرد شناختی می‌پردازد. سپس در گام سوم بر پایه مفروضات معرفت‌شناسی و روش‌شناسی روان‌شناسی شناختی، فرایند شناخت و روش‌های پژوهشی به ترتیب مورد مطالعه قرار می‌گیرند؛ در گام چهارم بر پایه مطالعات انجام شده، کاربرد روان‌شناسی شناختی در مطالعه چارچوب فرایند دلبستگی به مکان از دید معرفت‌شناسی و روش‌شناسی مورد بررسی قرار می‌گیرد و در گام نهایی جایگاه روان‌شناسی شناختی در چارچوب نظری دلبستگی به مکان در قالب مدلی ارائه می‌گردد.

مبانی نظری تحقیق

روابط انسانی با محیط به عنوان پدیده‌ای روان‌شناسی با رویکردهای مختلفی مورد مطالعه قرار گرفته و متفکرین این حوزه با بررسی محیط زندگی انسانی و رفتارهای روزمره به تدوین مبانی نظری منطبق بر فضاها و محیط پرداخته‌اند. رویکردهای عمده در مطالعات روان‌شناسی عبارتند از: رویکرد زیست‌شناختی، رفتاری، شناختی، روانکاوی و پدیدارشناختی (نمودار شماره ۱) (۳). هریک از این رویکردها رفتار انسان‌ها را تا حدودی از زوایای متفاوتی تبیین می‌کنند و هیچ‌کدام به تنهایی قادر به ارائه تحلیلی همه‌جانبه و کامل از مسئله موجود نمی‌باشند. رویکرد شناختی به عنوان رویکردی نوین در روان‌شناسی به مطالعه فرآیندهای ذهن انسان می‌پردازد. این رویکرد در برابر سایر رویکردهای روان‌شناسی بر فعالیت ذهن تأکید می‌کند و بر آن است که آدمی گیرنده غیرفعال محرک نیست، بلکه ذهن او به صورت فعال به پردازش اطلاعات دریافتی دست می‌زند و آنها را به شکل‌ها و مقولات تازه‌ای دریافت

جدول ۱- چارچوب سه‌بعدی دلبستگی مکانی و مطالعات موردی انجام پذیرفته

دلبستگی مکانی					
شخص		مکان		فرایند	
فردی	فرهنگی/گروهی	اجتماعی	فیزیکی	شناخت	احساس
پرز، آمیچی، روبرتی و	تریاندیس، ۱۹۹۴	جیکوبز، ۱۹۹۹	مارکوس، ۱۹۹۲	اسکل سو گیفورد، ۱۹۷۰	لو و آلمن، ۱۹۹۲
تدسکی، ۲۰۰۱	مازومدار و	یونگ و دولا، ۲۰۰۷	اوینگ و براونسان و بریگان، ۲۰۰۶	میرز، ۱۹۸۸	
پونگ، ۲۰۰۵	مازومدار، ۲۰۰۴			وسکه و کرین، ۲۰۰۱	
پرتی و همکاران، ۲۰۰۳	ایسلر و همکاران، ۲۰۰۳			بمبرگ و موزر، ۲۰۰۷	
بنیتو، برکول، گانو، ۱۹۹۶					

مکان می‌باشد، چراکه انسان‌ها می‌توانند به یک شی، خانه، ساختمان، محله یا یک محیط طبیعی جذب شوند. در واقع دلبستگی به مکان، ارتباطی نمادین با مکان است که با دادن معانی عاطفی و حسی مشترک فرهنگی، توسط افراد به مکان خاص یا یک سرزمین شکل می‌گیرد و مبنای نحوه ادراک گروه یا فرد از مکان و نحوه ارتباط وی با آن می‌باشد (۶). مرور ادبیات موضوع بیانگر گستردگی واژه‌ها و رویکردهای مختلف تبیینی این احساس و معنای خاص محیطی است که علاوه بر آنکه نشانگر دامنه وسیع اطلاعاتی است، نوعی سردرگمی واژه‌ها و پیچیدگی ذهنی را نیز به همراه دارد که در تحقیقات بسیاری از محققین به آن اشاره شده است (۷). واژه‌های متعددی نظیر دلبستگی به اجتماع^۱ (۸، ۹)، حس مکان^۲ (۱۰-۱۳)، هویت مکان^۳ (۱۴-۱۵)، وابستگی مکانی^۴ (۱۷، ۱۸) و ریشه‌داری^۵ (۱۹، ۲۰) از جمله این واژه‌ها می‌باشد.

دلبستگی به مکان متشکل از چارچوب سازمان‌یافته سه‌بعدی شخص-فرایند-مکان (ppp)^۶ می‌باشد (۲۱) که بعد شخصی دلبستگی به مکان به معانی و مفاهیم تعیین شده فردی یا جمعی اشاره دارد. بعد فرایند، عناصر عاطفی (حسی)، شناختی و رفتاری دلبستگی را شامل می‌شود و بعد مکان، بر ویژگی‌های مکان شامل سطوح فضایی، خصوصیات ویژه و برجستگی عناصر فیزیکی یا اجتماعی تاکید دارد (جدول ۱).

بر اساس ماهیت دلبستگی مکانی، این مفهوم پیوندهایی را در بر می‌گیرد که اشخاص چه به صورت فردی و چه به صورت جمعی با مکان ارتباط می‌یابند. به همین دلیل در بعد شخصی دلبستگی به مکان تجربیات فردی و گروهی در مکان مورد نظر، مورد توجه قرار می‌گیرد. دلبستگی مکانی در هر دو سطح فردی و گروهی رخ می‌دهد. در سطح فردی، این مقوله شامل ارتباطات

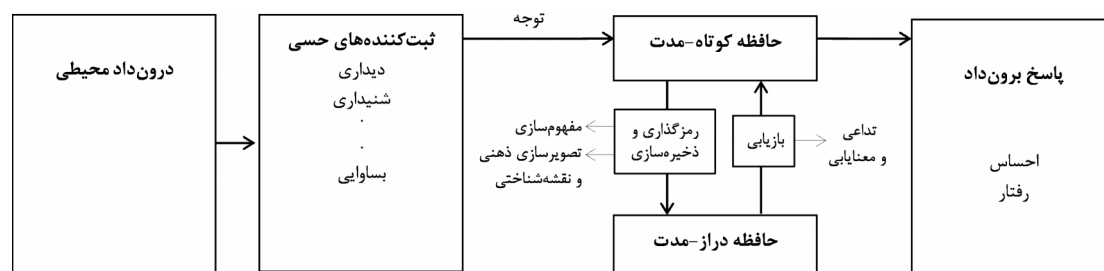
1. Community Attachment
2. Sense of Place
3. Place Identity
4. Place Dependence
5. Rootedness
6. Person, Process, Place

نمایند و از این رو آن را حفظ نمایند. فرهنگ، افراد را از طریق تجربیات، ارزش‌ها و نمادهای تاریخی مشترک، به مکان مرتبط می‌سازد. علاوه بر مسائل فرهنگی، نمادین یا ارزشی می‌توان به تجربیات جمعی و گروهی اجتماعات مختلف در مکان نیز اشاره کرد که در آن اهمیت یک رخداد یا تجربه برای اهالی یک گروه حائز اهمیت است. کارکرد خاطرات جمعی در سطح فرهنگی به افراد کمک می‌کند تا با نظام‌های فکری، عقاید، ارزش‌ها و اهداف فرهنگی منطبق شوند (۲).

بعد مکانی دلبستگی به مکان در مقیاس‌های جغرافیایی متنوع مورد بررسی قرار گرفته و اساساً به دو سطح دلبستگی مکانی اجتماعی و فیزیکی تقسیم‌بندی شده است. برخی از محققین نظیر لو و آلمن با تأکید بر نقش اجتماعی مکان، به تعاملات و ارتباطات فرهنگی- اجتماعی در مکان اشاره و دلبستگی به مکان را از منظر دلبستگی اجتماعی، یعنی گونه‌ای از دلبستگی به خاطرات مردم (استفاده‌کنندگان) تعبیر و تفسیر نموده‌اند (۶). با این حال، محققین دیگری نیز بر نقش عناصر کالبدی به عنوان عامل مهم دیگر در شکل‌گیری دلبستگی تأکید داشته و ضرورت توجه به ابعاد کالبدی را در فرآیند ایجاد دلبستگی ضروری می‌دانند. ریچر و لاوارکاس در مطالعات خود به نقش مهم و اساسی دلبستگی کالبدی اشاره و از آن به عنوان ریشه‌داری یاد می‌نماید که بر این اساس فرد محیط را به همراه عناصر کالبدی آن در شکل‌دهی معنای دلبستگی به خاطر می‌سپارد (۲۰). پروشانسکی با تأکید بر هویت مکان به عنوان بخشی از عناصر اجتماعی در محیط تأکید می‌کند و بر این اساس عامل مهم تعامل و ارتباط تنگاتنگ فرد با محیط خود را به عناصر کالبدی محیط به عنوان بخشی از هویت ذهنی و فردی ارجاع می‌دهد (۱۵). کانوی به اهمیت خصوصیات مکان، زمینه و زمان را در ثبت تجارب گذشته اشاره می‌کند (۲). راپاپورت با تأکید بر نقش مؤلفه‌های اجتماعی- فرهنگی در شکل‌گیری محیط کالبدی، با ارائه نظریه ارتباط غیرکلامی، محیط را مجموعه‌ای از عناصر کالبدی ثابت، نیمه‌ثابت و متحرک تقسیم می‌کند که فرد براساس کدها و انگاره‌های فرهنگی خود، معنا و مفهوم خاص خود را از محیط و عناصر آن استنباط می‌کند (۲۶). از نگاه وی مکان در این رویکرد به یک مکان نمادین تبدیل می‌گردد که در آن هر یک از عناصر به صورت سمبل‌وار و نمادگونه، بخشی از فرهنگ اجتماعی محیط

خود را نشان می‌دهند، بنابراین دلبستگی و ارتباط مکانی براساس نگرش وی، به صورت نمادها و سمبل‌های فرهنگی- اجتماعی کالبدی در محیط بروز می‌نماید و فرد براساس کدها و انگاره‌های فرهنگی خود این نمادها را کشف و ارتباط خود با محیط را ایجاد می‌نماید. گیفورد در پژوهش ارزشمند خود و با هدف شناسایی تفاوت‌های مدنظر معماران و مردم استفاده‌کننده از محیط، یکی از مهم‌ترین عوامل موجود در محیط را عدم توجه به بعد اجتماعی محیط از سوی طراحان و توجه صرف به عناصر کالبدی و شاخص‌های فرمی، فارغ از عوامل معنایی اشاره و با شفاف نمودن این اختلاف، بر ضرورت تجدید نظر و شناسایی تفاوت معنایی بین طراحان و استفاده‌کنندگان در محیط‌های شهری تأکید می‌کند (۲۷).

یکی از موثرترین ویژگی‌های مکان که سبب ارتقای دلبستگی به مکان می‌گردد، فعالیت‌ها و تعاملات بین انسان- مکان و انسان- انسان در آن مکان است (۱۴، ۲۵، ۲۸). **بعد فرایند** دلبستگی به مکان ریشه در نحوه تعامل افراد با مکان کالبدی و اجتماعی در قالب تعاملات شناختی، رفتاری، عاطفی و معنایی دارد که نتیجه آن دلبستگی به مکان است (۱۸، ۲۹-۳۲). در روند شکل‌گیری دلبستگی به مکان، دو عنصر انسان و مکان از طریق عنصر سوم تعامل انسان و مکان به لحاظ شناختی، عاطفی و عملکردی، وارد یک فرآیند می‌گردند. در واقع این امر براساس تعامل شناختی، عاطفی و رفتاری بین افراد، گروه‌ها و مکان کالبدی- اجتماعی، به صورت آگاهانه و ناآگاهانه در طول زمان شکل می‌گیرد (۳۱) و در این میان ارتباط عاطفی بین فرد و مکان، بر پایه نحوه قضاوت، ترجیحات و شناخت از مکان، برقرار می‌شود (۴). بُنیتو و همکارانش نیز دلبستگی به مکان را وابستگی عاطفی با مکان ادعا می‌کند که این امر در چارچوب فرآیند اجتماعی و روان‌شناختی بین فرد و مکان پدید می‌آید و نتیجه‌اش احساس و علاقه نسبت به مکان است (۱۸). دلبستگی به مکان یک بعد از کلیت حس مکان و وابستگی عاطفی مثبت است که بین فرد و مکان توسعه می‌یابد (۱۳). این واژه مبین احساسات فرد نسبت به یک موقعیت جغرافیایی است که به طور حسی فرد را به آن مکان گره می‌زند، در واقع یک تجربه مثبت از مکان می‌باشد (۲۸)؛ بنابراین دلبستگی به مکان نتیجه اعتقادات و احساسات مثبتی است که فرد در فرآیند



نمودار ۲- فرایند شناخت در روان‌شناسی شناختی براساس مؤلفه‌های قابل سنجش

نشان‌دادن چگونگی اثرگذاری یک محیط بر تصور فرد از آن محیط و چگونگی اثرگذاری این تصورات بر الگوهای رفتاری و احساس فرد در ارتباط با محیط می‌باشد.

فرایند شناخت در روان‌شناسی شناختی

فرایند شناخت در روان‌شناسی شناختی از سه مرحله دریافت اطلاعات محیطی، ذخیره‌سازی و بازیابی تشکیل می‌شود (نمودار ۲). فرآیندهای شناختی در درجه اول مستلزم توجه هستند. ^۱ توجه نوعی تمرکز تلاش ذهنی بر رویدادهای حسی یا ذهنی پیرامون است. در واقع، انسان همواره با سیلی از اطلاعات روبه‌روست که تعدادی از مهم‌ترین آن‌ها را انتخاب می‌کند. این امر به دلیل محدودیت ظرفیت ذهن برای دریافت، پردازش و ذخیره‌سازی اطلاعات است؛ بنابراین توجه نتیجه وجود یک سیستم پردازش اطلاعات با ظرفیت محدود است (۳۸). در نتیجه توجه برخی از اطلاعات دریافت شده توسط ثبت‌کننده‌های حسی به حافظه کوتاه-مدت ^۲ منتقل می‌شوند. نگهداری اطلاعات در حافظه مانند هر یک از مراحل شناخت یک فرایند ذهنی است. حافظه سرگذشتی نوعی ساختار حافظه‌ای است که از ترکیب اپیزودهای بیاد مانده از تجربیات فردی و دانش کلی در مورد وقایع و جهان اطراف تشکیل شده است (۳۹). حافظه شامل مراحل رمزگذاری ^۳، ذخیره‌سازی ^۴ و بازیابی ^۵ می‌باشد. مفهوم‌سازی، تصویرسازی ذهنی و نقشه‌های شناختی از جمله کارکردهای ذهن در جهت رمزگذاری و

تعامل با مکان و معنا بخشیدن به آن خلق می‌کند (۳۳). تعامل در این درجه ناشی از نوعی ارتباط عمیق بین انسان و مکان و شکل‌گیری معنا در ارتباط با عواطف انسانی می‌باشد. عاطفه شامل درک ارزش‌ها و شکل‌گیری نگرش است و شناخت با نحوه کسب اطلاعات از جهان، روش‌های بازنمایی این اطلاعات و چگونگی تبدیل آن به دانش، نحوه ذخیره آنها و شیوه‌های استفاده از آن به منظور جهت‌دهی و توجه به رفتارها سروکار دارد (۳۲). شناخت و ادراک فرد از یک مکان از شروط اولیه برای ایجاد دلبستگی به مکان می‌باشد. درک فرایندهای شناخت و عاطفه می‌تواند در ادراک زیبایی‌های محیط و انتخاب مردم در استفاده از عناصر محیط نقش مهمی داشته باشد (۳۴). نتایج تحقیق توسط رلرو و دیپکولی نشان داد که ابعاد شناختی و عاطفی به طور مستقیم با متغیرهای روان‌شناسی، اجتماعی و فردی قابل پیشگویی هستند و این ابعاد صریحاً با درک از مکان و ساکنانش مرتبط است (۳۵). در واقع دلبستگی به مکان، رابطه نمادین ایجاد شده توسط افراد به مکان است که معانی احساسی، عاطفی و فرهنگی مشترکی به یک فضای خاص می‌دهد. این ابعاد ضمن ایجاد دلبستگی و معنا بخشیدن به زندگی فرد، سبب بروز رفتارهای پاسخ‌گو و متعهد در قبال مکان گردیده و می‌تواند رفتارهای محیطی را نیز ارتقاء بخشد (۲۳، ۳۶). مطالعه کالتنبرن اولین مطالعه‌ایست که ارتباط بین دلبستگی به مکان و مفاهیم رفتاری مثبت محیطی را آزموده است (۳۷). دلبستگی مثبت به یک مکان ممکن است به شدت با انجام رفتارهای فردی که بر محیط همگانی سودمند است، مرتبط باشد (۳۶). رلف پیشنهاد کرد که مکان‌ها می‌توانند حس تعهد و مسئولیت را تقویت کنند (۱۴) و رفتارشناسان محیطی معتقدند که شناخت مکان، احتمال رفتارهای حمایتی مکان را افزایش می‌دهد. هدف

1. Attention
2. Short-Term Memory
3. Encoding
4. Storage
5. Retrieval

ما برای بازیابی آن‌ها پیوندهایی ایجاد می‌شود که هنگام فعال شدن (دیدن، شنیدن، ...) یکی از آن رویدادها، دیگری نیز فعال می‌شود (۳۸). تداعی به دو شیوه یادآوری و بازشناسی انجام می‌شود. یادآوری هنگامی رخ می‌دهد که اطلاعات به صورت مستقیم از حافظه بازیابی می‌شوند. بازشناسی زمانی اتفاق می‌افتد که یک رویداد به صورتی که در گذشته تجربه شده، شناسایی می‌گردد. تداعی ممکن است به طور مستقل و خود به خودی رخ دهد و یا به وسیله نشانه‌های بازیابی، تسهیل شود (۴۱). **معنایابی**^۷ از جمله کارکردهای ذهن در جریان تداعی یک پدیده است که در فرایند بازیابی بکار می‌رود. اگر مفهوم‌سازی یک فرایند همگرا در جهت یافتن تشابه‌ها، تعمیم و خلاصه‌سازی است، معنایابی یک فرایند واگرا و در جهت به یاد آوردن ویژگی‌ها، تفاوت بین آن‌ها و گسترش یک مفهوم در ذهن فرد خواهد بود. در واقع **معنا**^۸ تمامی آن چیزهایی است که در جریان بازیابی یک مفهوم برای ما تداعی می‌شود (۴۲). اطلاعات بازیابی شده از حافظه درازمدت به حافظه کوتاه-مدت منتقل شده و نهایتاً در قالب پاسخ برون‌داد (احساس و رفتار) ظاهر می‌شوند.

روش‌های تحقیق در روان‌شناسی شناختی

روان‌شناسان شناختی در صد درک چیزی بیشتر از محتوای شناخت هستند، آنها در پی درک چگونگی و چرایی تفکر نیز هستند؛ یعنی پژوهشگران راه‌های توضیح شناخت و همچنین توصیف آن را جستجو می‌کنند (۱). بدین منظور از روش‌های متمایز پژوهشی بهره می‌گیرند. روش‌های تحقیق در روان‌شناسی شناختی را می‌توان بر اساس منطق محوری تحقیق^۹، در چهار گروه استناد علی، تفسیر، زمینه‌بخشی و پیش‌بینی دسته‌بندی نمود. منطق محوری تحقیق به‌طور مستقیم با هدف تحقیق که در سؤال تحقیق مستتر است، در ارتباط می‌باشد. بدین منظور باید مناسب‌ترین منطق محوری تحقیق برای تبیین و تحلیل سؤالات انتخاب گردد.

در تحقیقات مبتنی بر استناد علی^{۱۰}، علیت محتمل

ذخیره‌سازی اطلاعات می‌باشد. در این راستا ذهن از قالب‌ها و قواعدی استفاده می‌کند تا بتواند اطلاعات را ساده، خلاصه و به طرز معنی‌داری آن‌ها را طبقه‌بندی کرده و در فایل‌های موجود در ذهن جانمایی و ذخیره‌سازی کند (۳۸). منظور از طبقه‌بندی، تعیین جایگاه و موقعیتی است که یک پدیده در میان دیگر پدیده‌های جهان دارد. در واقع ذهن انسان در طول زمان و به تدریج فایل‌هایی را در خود ایجاد نموده است که هر پدیده را پس از شناسایی و کدگذاری اولیه، براساس رابطه‌اش با پدیده‌های دیگر در فایلی خاص قرار می‌دهد (۳). از طریق دسته‌بندی نه تنها اطلاعات ارسالی از محیط توسط قواعدی طبقه‌بندی و در قالب‌هایی گنجانده می‌شوند، بلکه نام یا کدی مشخص نیز به خود می‌گیرند. فرایند ذهنی ساده‌سازی و ساماندهی اطلاعات را **مفهوم‌سازی**^۱ می‌نامند و کدی که به صورت یک واژه و یا در مجموع یک مقوله برای دسته‌ای از پدیده‌ها و یا خود پدیده استفاده می‌شود را **مفهوم**^۲ می‌گویند (۵).

انسان‌ها نه براساس واقعیت محیط، بلکه براساس ذهنیات خود رفتار می‌کنند. ذهنیات انسان در مورد مکان‌ها، به طور عمده براساس دو عامل تصویر ذهنی و نقشه شناختی شکل می‌گیرد. **تصویر ذهنی**^۳، تصویری است که فرد از یک پدیده در ذهن می‌سازد. این تصویر تحت تأثیر افکار، ارزش‌ها و تجارب فرد از مکان شکل می‌گیرد (۵) و در هدایت رفتارهای فرد در جهت دستیابی به اهداف شخصی نیز مؤثر می‌باشد (۳۹). تصویرسازی ذهنی ممکن است شامل بازنمایی ذهنی در قالب هر یک از وجوه حسی مانند شنوایی، بویایی یا چشایی باشد (۱). **نقشه شناختی**^۴، بخشی از تصویر ذهنی است که به طور خاص بر روابط فضایی تمرکز دارد. نقشه‌های شناختی بازنموده‌هایی درونی ارائه می‌دهند که خصوصیات فضایی خاص محیط خارجی ما را شبیه‌سازی می‌کند (۴۰) و الگویی انتزاعی و خلاصه شده از محیط برای ما فراهم می‌کند تا براساس آن عمل کنیم (۳۸).

اطلاعات دریافتی پس از رمزگذاری در حافظه درازمدت^۵ ذخیره می‌شوند. بازیابی فرآیندی است که از طریق آن اطلاعات به هنگام نیاز از حافظه فراخوانده، تداعی و رمزگشایی می‌شوند (۳). در فرایند **تداعی**^۶ وقتی دو رویداد به طور مکرر همراه با هم یا با فاصله زمانی کوتاه تکرار شوند در گذرگاه‌های عصب‌شناختی

1. Conceptualization	6. Association
2. Concept	7. Meaning-finding
3. Mental Imagery	8. Meaning
4. Cognitive Map	9. Core logic
5. Long-Term Memory	10. Causal Attribution

جدول ۲- روش‌های تحقیق در روان‌شناسی شناختی

روش تحقیق	زیرگونه روش تحقیق	توصیف روش تحقیق	منطق محوری تحقیق	ابزار روش شناختی
تجربه آزمایشگاهی کنترل شده ^۱	-	مشاهده‌گر با دستکاری برخی از عناصر محیط نوع و چگونگی واکنش رفتاری افراد را در مقابل تغییرات مورد کاوش قرار می‌دهد. در این روش مشاهده‌گر می‌تواند ابعاد بیشتری از موقعیت آزمایش را کنترل کند. آنگاه متغیرهای مستقل را دستکاری و اثر متغیرهای غیر مرتبط را کنترل می‌کند و سپس به مشاهده تأثیر آنها بر متغیرهای وابسته (نتایج) می‌پردازد.	استناد علی	۱- مشاهده ابزاری ۲- مشاهده مستقیم
تحقیقات روان- زیست- شناختی ^۲	-	پژوهشگر با اجرای تحقیقات روان- زیست‌شناختی، رابطه بین عملکرد شناختی و رویدادها و ساختارهای مغزی را مطالعه می‌کنند.	استناد علی	ابزار پیشرفته نرم‌افزاری
مطالعات متنی - روایی ^۳	تحلیل‌های متنی و روایی تحلیل‌های محاوره‌ای بیوگرافی؛ تاریخ‌نگاری	گزارش‌های کاربران از شناخت جاری خودشان در مورد محیط و یا خاطرات آنها تحلیل می‌شود.	تفسیر	۱- ابزارهای پیمایش نگرش ۲- روش‌های مصاحبه
مشاهدات طبیعی ^۴	-	پژوهشگر رفتار افراد را در محیط مشاهده می‌کند. وی سپس استنباط‌هایی را در مورد فرآیندهای که اساس آن رفتار هستند، مطرح می‌کند. این استنباط‌ها گاهی اوقات با طرح آزمایشی کنترل‌شده- تر، آزموده می‌شوند.	تفسیر	۱- مشاهده ابزاری ۲- مشاهده مستقیم
مطالعات موردی ^۵	مطالعات تطبیقی نمونه‌های موردی مطالعات یک یا چند نمونه موردی	با اجرای مطالعه فشرده در مورد افراد و محیط‌های موردی، نتیجه‌گیری‌های عمومی در مورد رفتار حاصل می‌شود.	زمینه‌بخشی	۱- ابزارهای پیمایش نگرش ۲- روش‌های مصاحبه ۳- مشاهده ابزاری ۴- مشاهده مستقیم (متناسب با سؤال تحقیق ابزار مناسب بکار می‌رود.)

مطالعات موردی می‌باشند. منطق پیش‌بینی^۸ به طور معمول در تحقیقات مدلسازی و یا شبیه‌سازی، جهت پیش‌بینی عملکردها و تغییرات آتی بکار گرفته می‌شود (۴۳).

هریک از انواع تحقیقات عنوان شده به تنهایی امتیازها و کاستی‌های مختلفی به همراه دارد. به این دلیل، روان‌شناسان شناختی، شناخت را از طریق روش‌های متنوع علمی مطالعه می‌کنند. روش‌های متنوعی که در پی درک مشترکی می‌باشند. آنگاه انواع شواهد همگرا را برای حمایت از فرضیه خود مورد استفاده قرار می‌دهند. همسانی نتایج فنون مختلف هرچه بیشتر باشد، بیشتر

درباره تأثیرات متغیر یا متغیرهای مستقل (برخورد) بر متغیر وابسته (نتایج) استنتاج می‌گردد. اینگونه تحقیقات معمولاً به صورت کمی و براساس نمره‌دهی و تحلیل آماری انجام می‌شوند و به رویه‌های نظام‌مند و کنترل‌شده‌ای نیاز دارند تا به فرآیندهای اثبات کمک کنند. در تحقیق تفسیری^۶ انسان‌ها به عنوان موجودی اجتماعی، خودمختار و پویا به خواست‌ها و نیازهای خاص در نظر گرفته می‌شوند که همواره با محیط (فیزیکی و اجتماعی) اطراف خود در تعامل هستند و مفاهیم متمایزی در یک زمینه معین در ذهنشان ایجاد می‌شود. در این نوع پژوهش‌ها استنباط‌هایی در مورد فرآیندهای که اساس پژوهش می‌باشند، مطرح می‌گردد. در تحقیقات مبتنی بر منطق زمینه‌بخشی^۷، از منابع و شواهد چندگانه برای مطالعه پدیده در زمینه واقعی‌اش، استفاده می‌شود. این تحقیقات در پی زمینه‌بخشی به

- | | |
|--------------------------------------|----------------------|
| 1. Controlled Laboratory Experiments | 5. Case Studies |
| 2. Psychobiological Research | 6. Interpretation |
| 3. Textual and Narrative Studies | 7. Contextualisation |
| 4. Naturalistic Observations | 8. Prediction |

جدول ۳- بررسی عوامل مؤثر بر مؤلفه‌های فرایند شناخت در چارچوب دلبستگی به مکان

فرایند		شخص		مکان	
عوامل مؤثر		مثال‌هایی از عوامل قابل ارزیابی در فضای شهری		عوامل مؤثر	
شناخت	توجه	a1 - کنترل بر موقعیت - تجربیات و اهداف	a2 - مدت سکونت - وسیله جابجایی - مشخصات فردی	- ویژگی‌های محرک	مثال‌هایی از عوامل قابل ارزیابی در فضای شهری
	مفهوم‌سازی	b1 - نام و تعریف مفهوم - تجربیات - نگرش‌ها و عقاید	- پس‌زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی - مشخصات فردی	- نام و تعریف مفهوم - مصداق‌ها و غیرمصداق‌ها - عوامل مربوط و نامربوط	- اسامی فضاهای شهری - ویژگی‌های کالبدی فضاها - ویژگی‌های عملکردی فضاها - ویژگی‌های اجتماعی فضاها
	تشکیل نقشه - شناختی	c1 - نیازها و توقعات - کنترل بر موقعیت	- نیازها و توقعات شهروندان از فضای شهری - مدت سکونت - وسیله جابجایی - مشخصات فردی	- ویژگی‌های محرک	- دانش علائم مشخصه زمین ^۱ - دانش مسیر- جاده ^۲ - دانش پیمایشی ^۳
	تداعی و معنابابی	d1 - تجربیات - نیازها و توقعات - نگرش‌ها و عقاید	- نیازها و توقعات شهروندان از فضای شهری - پس‌زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی - مشخصات فردی	- نشانه‌های محیطی	- نشانه‌های شمایی ^۴ - نشانه‌های نمادین ^۵ - نشانه‌های نمایه‌ای ^۶

کاربرد روان‌شناسی شناختی در چارچوب نظری دلبستگی به مکان

ارزیابی دلبستگی به مکان در فضاهای موجود و شناخت عوامل انسانی و مکانی دخیل در آن بدون توجه و ارزیابی فرایند دلبستگی میسر نخواهد بود. در واقع مدل تحلیل دلبستگی به مکان هنگامی جامع و کل‌نگر خواهد بود که عناصر کلیدی آن، فرایند شکل‌گیری و نتیجه و دستاورد آن هر سه در کنار یکدیگر در قالب عوامل قابل ارزیابی در مطالعات محیطی مطرح شوند تا در تحقیقات آتی بتوانند منجر به شاخص‌سازی‌های دقیق‌تر در ارزیابی دلبستگی به مکان از یک سو و ارائه راهکارهای طراحانه با هدف ارتقاء دلبستگی به مکان از دیگر سو گردند. روان‌شناسی شناختی با تسلطی که بر سازوکارهای مغز برای یادگیری، یادسپاری، تفکر، بازنگری و شکل‌گیری ذهن افراد دارد، می‌تواند راهکارهایی برای تأثیرگذاری بر ذهن دیگران و تغییر، اصلاح یا تقویت آن پیشنهاد کند (۴۱، ۴۴). این رویکرد با تعریف فرایند شناخت در دلبستگی به مکان و یافتن و تقویت نمودن مؤلفه‌های

می‌توان به آن اعتماد کرد (۱). در جدول شماره ۲ به‌طور مختصر به توصیف روش‌های تحقیق در روان‌شناسی شناختی پرداخته می‌شود.

یافته‌ها

نظریه دلبستگی به مکان حاکی از این است که افراد دلبستگی خود را با مکان براساس انتظارات خود که مبتنی بر تجارب قبلی آنها از مکان‌های مشابه و فرایند شناختی آن‌هاست توسعه می‌دهند که رضایت‌مندی آنها از مکان به این شناخت بستگی دارد. شناخت، روشی برای اکتساب، ذخیره‌سازی، ساماندهی و بازخوانی اطلاعات ادراک شده محیط و احساس، بخشی از عکس‌العمل فطری انسان نسبت به محیط می‌باشد (۲۷). روان‌شناسی شناختی با بکارگیری روش‌های تحقیق متنوع به مطالعه روان‌شناسانه فرایندهای شناختی ذهن انسان می‌پردازد. این فرایندها را می‌توان از ابتدای توجه به محرک‌های خاص تا مرحله به‌خاطر سپردن و تشکیل تصویر ذهنی دنبال نمود. همچنین بکارگیری روان‌شناسی شناختی به عنوان رویکردی نو در مطالعه فرایند دلبستگی به مکان می‌تواند منجر به فهمی عمیق و علمی از انسان در دو حوزه شناخت‌شناسی و روش‌شناسی مطالعات محیطی شود.

1. Landmark knowledge
2. Route-road knowledge
3. Survey knowledge

4. Iconic
5. Symbolic
6. Index

جدول ۴- روش‌های تحقیق شناختی در فرایند دلبستگی به مکان

فرایند شناخت			
شناخت			
منطق محوری تحقیق	توجه	مفهوم‌سازی	تصویرسازی ذهنی و نقشه شناختی
استناد علی	- تجربه آزمایشگاهی کنترل شده - تحقیقات روان- زیست‌شناختی	-	- تجربه آزمایشگاهی کنترل شده - تحقیقات روان- زیست‌شناختی
زمینه‌بخشی	- مطالعات موردی	- مطالعات موردی	- مطالعات موردی
تفسیر	- مطالعات متنی-روایی - مشاهدات طبیعی	- مطالعات متنی-روایی	- مطالعات متنی-روایی - مشاهدات طبیعی
پیش‌بینی	- شبیه‌سازی رایانه‌ای و هوش مصنوعی	-	- شبیه‌سازی رایانه‌ای و هوش مصنوعی

متنی-روایی از طریق ابزار ارتباط مستقیم به مطالعه کدها و رمزهای موجود از یک محیط در ذهن استفاده‌کنندگان از فضا شامل تصاویر ذهنی، نقشه شناختی، مفاهیم و معناها، می‌پردازد و استنباط‌هایی در مورد فرایند شناخت مطرح می‌کند. مطالعه و بررسی خصوصیات فضایی در شکل‌گیری تصویر ذهنی و جلب توجه گروه‌های مختلف اجتماعی، نیازمند حضور محقق در فضا است. روش مشاهده طبیعی با مشاهده رفتار افراد در محیط، استنباط‌هایی را در مورد فرآیندهای که اساس آن رفتار هستند، مطرح می‌کند. روش‌های مبتنی بر پیش‌بینی با بکارگیری ابزار شبیه‌سازی رایانه‌ای و هوش مصنوعی به شبیه‌سازی عملکرد شناختی افراد براساس اطلاعات بدست آمده از تحقیقات پیشین می‌پردازد. بررسی عوامل مؤثر بر توجه و تشکیل تصاویر ذهنی، پیش‌بینی عملکرد استفاده‌کنندگان آتی در طرح‌های مدلسازی شده را امکان‌پذیر می‌سازد.

در جدول شماره (۴) روش‌های مناسب شناختی در مطالعه هر یک از مؤلفه‌های فرایند شناخت بر اساس منطق محوری تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است.

جایگاه روان‌شناسی شناختی در چارچوب نظری دلبستگی به مکان

رویکرد شناختی با بررسی فرآیندهای ذهنی بر نقش شناخت انسان از محیط به‌عنوان ضرورت ایجاد معنای دلبستگی به مکان تأکید می‌کند. این رویکرد با تعریف فرایند شناخت در روان‌شناسی شناختی، درجه متفاوتی را در مطالعه فرایند شناخت دلبستگی به مکان، در اختیار محققین قرار می‌دهد تا خلأ موجود در مطالعه مؤلفه شناخت در دلبستگی به مکان پر شود. روان‌شناسی شناختی در مطالعه فرایند شناخت به

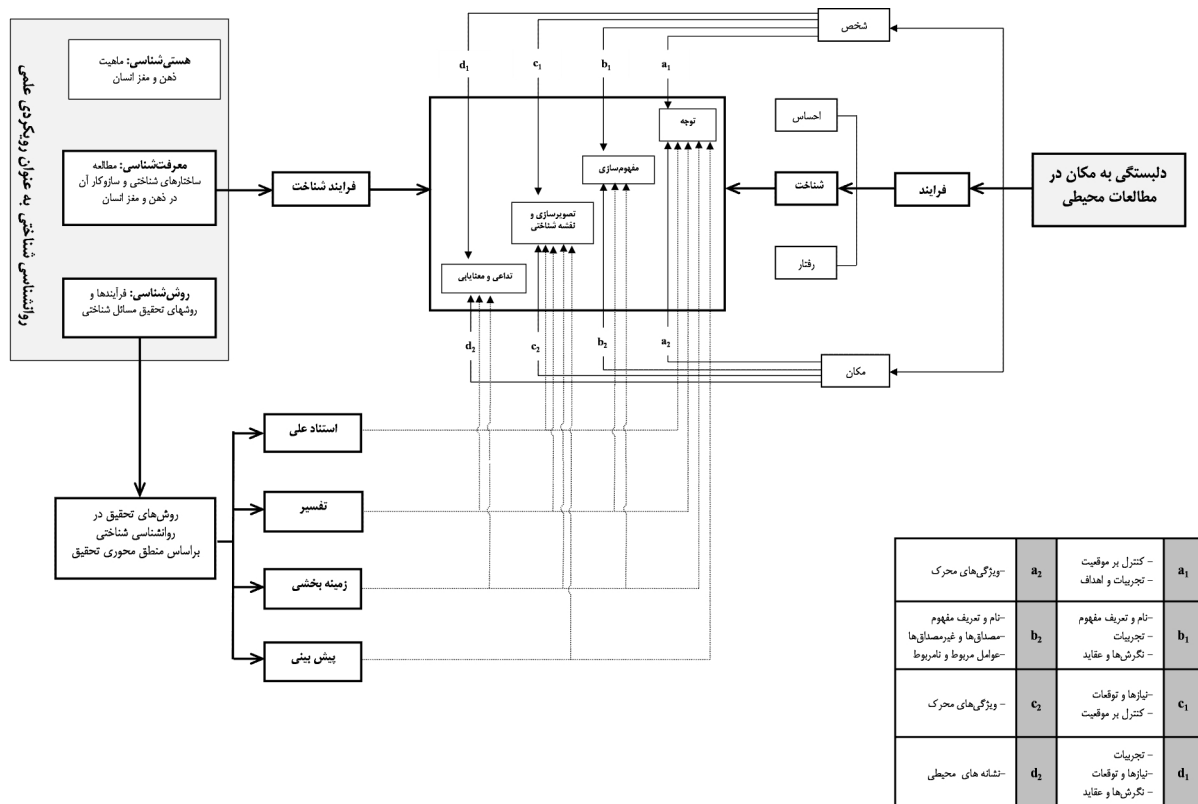
کالبدی، معنایی و اجتماعی مؤثر بر آن، زمینه‌های ارتقاء دلبستگی به مکان را فراهم می‌کند. این امر با توجه به اهمیت اجتماعی فضاهای شهری، بیش از پیش به ضرورت توجه به دلبستگی به مکان و شناخت عوامل تقویت‌کننده آن در این فضاها می‌افزاید.

در جدول شماره (۳) به بررسی عوامل شخصی و مکانی مؤثر بر مؤلفه‌های فرایند شناخت در چارچوب مطالعات محیطی و ارائه عوامل قابل ارزیابی در فضای شهری پرداخته شده است.

- کاربرد روش‌های تحقیق روان‌شناسی شناختی در فرایند دلبستگی به مکان

روش‌های تحقیق در روان‌شناسی شناختی بر حسب ابزار جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات و به واسطه ماهیت پرسش‌ها و اهداف پژوهش، قابل استفاده در فرایند دلبستگی به مکان می‌باشند. بکارگیری روش‌های مناسب شناختی در هر یک از مراحل فرایند دلبستگی مکانی اطلاعات جامع‌تری درباره پدیده مورد مطالعه در اختیار محقق قرار می‌دهد.

نتایج بدست آمده از روش‌های تحقیق مبتنی بر استناد علی از جمله تجارب آزمایشگاهی و تحقیقات روان‌زیست‌شناختی درباره افراد، با بررسی روابط علت و معلولی، داده‌های معتبری را جهت ارزیابی عوامل مؤثر بر توجه و تصویرسازی ذهنی بدست می‌دهد. این داده‌ها به عنوان ملاک و معیارهایی برای تحلیل اطلاعات عمل می‌کنند. روش‌های تحقیق مبتنی بر زمینه‌بخشی با مطالعه مؤلفه‌های شناخت در مورد افراد و تطبیق نمونه‌های موردی، اطلاعات بوم‌شناختی باارزشی را در اختیار محققان قرار می‌دهد. مطالعات متنی-روایی و مشاهدات طبیعی از جمله تحقیقات تفسیری در روان‌شناسی شناختی می‌باشند. مطالعات



نمودار ۳- جایگاه روان‌شناسی شناختی در مطالعه چارچوب نظری فرایند دلبستگی به مکان

فرایند دلبستگی به مکان ارتباط برقرار می‌کند و از دید روش‌شناسی با ارزیابی عوامل مؤثر بر هر یک از مؤلفه‌ها با روش‌های تحقیق مناسب خود، امکان بررسی فرایند شناخت دلبستگی به مکان با رویکرد شناختی را فراهم می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

دلبستگی به مکان یکی از عوامل مهم در ارزیابی ارتباط انسان- محیط و ایجاد محیط‌های انسانی با کیفیت می‌باشد. این سطح از معنای محیطی بیانگر نوعی ارتباط عمیق فرد با محیط بوده و در این سطح فرد نوعی هم‌ذات‌پنداری بین خود و مکان احساس می‌نماید. دلبستگی به مکان به عنوان پدیده‌ای روان‌شناسی با رویکردهای مختلفی قابل تحلیل می‌باشد و هریک از این رویکردها اعمال آدمی را تا حدودی به گونه متفاوتی تبیین می‌کنند و سهمی در تصویر محققان از تمامیت شناخت از موضوع ایفا می‌کند.

آشنایی طراحان به دانش‌هایی که به گونه‌ای مستقیم یا غیرمستقیم به حرفه طراحی کمک می‌کنند، این امکان

معرفی مؤلفه‌های توجه، مفهوم‌سازی، تصویرسازی ذهنی و نقشه‌شناختی، تداعی و معنایی می‌پردازد. این مؤلفه‌ها با شناسایی عوامل شخصی و مکانی مؤثر بر آن‌ها در چارچوب مطالعات محیطی از جمله فضاهای شهری، قابل ارزیابی می‌باشند (جدول شماره ۳). رویکرد شناختی با معرفی روش‌های تحقیق روان‌شناسی شناختی، روش‌ها و ابزارهای متنوع علمی برای مطالعه فرایند شناخت و مؤلفه‌های آن در اختیار محققان قرار می‌دهد (جدول شماره ۴). روش‌های تحقیق ارائه شده می‌توانند بر اساس منطق و ماهیت تحقیق در مطالعه مراحل مختلف فرایند شناخت مورد استفاده قرار گیرند و در پاسخگویی به مسائل شناختی مؤثر واقع گردند. در نمودار شماره (۳)، مدل مفهومی ارتباط بین چارچوب نظری دلبستگی به مکان در مطالعات محیطی و رویکرد روان‌شناسی شناختی از دید معرفت‌شناسی و روش‌شناسی تبیین شده است. روان‌شناسی شناختی به عنوان رویکردی علمی از دید معرفت‌شناسی در مطالعه فرایند شناخت بر اساس مؤلفه‌های توجه، مفهوم، نقشه‌شناختی و معنا، با بعد

را بوجود می‌آورد تا طرح‌های ارائه شده بیش از پیش با نیازهای استفاده‌کنندگان سازگار بوده و لذا محیط‌های طراحی شده بوسیله آن‌ها شرایط لازم را برای یک زندگی انسانی فراهم آورد. به دلیل ماهیت درهم تنیده و پیچیده مسائل انسانی برای پژوهشگرانی که علاقه‌مند به پژوهش در مطالعات محیطی هستند، لزوم آشنایی با علوم جدید که در این نوشتار تأکید بر علوم شناختی (روان‌شناسی شناختی) بوده است، ضروری می‌باشد. طراحان شهری باید در برنامه‌ریزی و طراحی به دو بعد فرایندمحوری و محصولمحوری در ایجاد کیفیت در محیط‌های شهری توجه نموده و تلاش نمایند تا علاوه بر طراحی یک مکان مطلوب (محصول)، جنبه‌های طرح شده در روند کیفیت مورد نظر خود (فرایند) را نیز مدنظر قرار دهند. دلبستگی به مکان نیز از جمله کیفیت‌های فضای شهری است و در عین حال که دارای نوعی خروجی محصولمحور می‌باشد، نیازمند توجه جدی به مراحل و فرایند دلبستگی به مکان نیز است.

فرآیند دلبستگی به مکان در مطالعات محیطی از سه عنصر احساس، شناخت و رفتار تشکیل می‌شود. روان‌شناسی شناختی نیز با آشنایی بر سازوکارهای ذهن انسان به تعریف مراحل و فرایند شناخت در ذهن انسان می‌پردازد و با معرفی عوامل مؤثر بر آنها و همچنین روش‌های تحقیق متنوع شناختی، امکان ارزیابی فرایند دلبستگی به مکان در مطالعات شهری را فراهم می‌آورد؛ بنابراین توجه به فرایند دلبستگی به مکان با تکیه بر مؤلفه‌های شناختی، موجب شکل‌گیری سطوح ژرف‌تر دلبستگی به مکان در محیط‌های طراحی شده توسط طراحان شهری می‌گردد. هر یک از مؤلفه‌های شناختی توجه، مفهوم‌سازی، تصویرسازی و نقشه شناختی، تداعی و معنایابی، به نحوی در مطالعه فرایند شناخت تأثیرگذار می‌باشند. به‌عنوان مثال میزان توجه شهروندان به عوامل کالبدی و اجتماعی فضای شهری با در نظر گرفتن تجربیات و اهداف کاربران از فضای شهری، اطلاعات ارزشمندی را برای شناخت وضع موجود در عرصه مداخلاتی در اختیار طراحان شهری قرار می‌دهد. بررسی مفاهیم ذهنی کاربران در

ارتباط با اهمیت ویژگی‌های کالبدی، عملکردی و اجتماعی فضای شهری امکان آشنایی با تعاریف مفاهیم و توقعات موجود از فضاهای شهری در ذهن کاربران را فراهم می‌سازد و نمایانگر نظریات و خواست‌های شهروندان در ارتباط با فضای شهری مطلوب می‌باشد و مؤلفه نقشه شناختی با مطالعه عوامل مؤثر در شکل‌گیری الگوهای انتزاعی از محیط در ذهن افراد، تفاوت میان وضعیت موجود تصویر ذهنی شهروندان از فضای شهری و وضعیت مطلوب که غایت‌مندی طرح را شکل می‌دهد را آشکار می‌سازد. دستیابی به معانی موجود در محیط و نشانه‌های محیطی تداعی‌کننده خاطرات جمعی، به عنوان فرصتی در جهت انطباق این تصویر با نیازها و توقعات ساکنین در رابطه با فضای شهری می‌باشد. در این راستا روش‌های تحقیق شناختی نیز با منطق‌های محوری متنوع (استناد علی، تفسیر، زمینه‌بخشی، پیش‌بینی) امکان ارزیابی همه‌جانبه مؤلفه‌های شناختی مذکور را در فرایند دلبستگی به مکان با بکارگیری ابزارهای شناختی را فراهم می‌آورند. استفاده از رویکرد روان‌شناسی شناختی در انجام پژوهش‌های محیطی ازجمله طراحی شهری در جهت ارائه تصویری کامل‌تر و درکی عمیق‌تر از پدیده‌های مورد مطالعه، جنبشی نوین در عرصه پژوهش‌های علمی محسوب می‌شود که پژوهشگران محیطی براساس آن می‌توانند رویکردها، راهبردها، استراتژی‌ها و ابزارهای به کار گرفته شده در یک پژوهش محیطی واحد را در کنار هم قرار دهند. اعمال رویکرد شناختی در مطالعات شهری، امکان درک همه‌جانبه و نظام‌مند از فرآیندهای ذهنی انسان در ارتباط با فضای شهری را بیشتر فراهم نموده و در سطحی برتر به ایجاد فضاهای شهری کارآمد منطبق با نیازهای شهروندان، منتج می‌شود.

دریافت: ۹۳/۳/۴ ؛ پذیرش: ۹۳/۷/۴

منابع

1. Sternberg RJ. *Cognitive psychology* [K. Kharrazi, E. Hejazi, Trans]. Tehran: Institute for Cognitive Science Studies; 2013.[Persian].
2. Conway MA, Playdell- Pearce CW. The constructional of autobiographical memories in the self- memory system. *Psychological Review* 2000;107:261-88.
3. Atkinson RL, Atkinson RC, Smith EE, Bem DJ,

- Nolen-Hoeksema S. *Hilgard's introduction to psychology* [MN. Borahani. et al. trans]. Tehran: Roshd; 2002.[Persian].
4. Conway MA, Meares K, Standart S. Images & goals. *Memory* 2004;12: 525-31.
 5. Pakzad J, Bozorg H. *ABC of environmental psychology for designers*. Tehran: Armanshahr; 2012.[Persian].
 6. Low SM, Altman I. Place attachment: A conceptual inquiry. Low SM, Altman I. editors. *Place attachment*. New York: Plenum; 1992.
 7. Hidalgo MC, Hernandez B. Place attachment: Conceptual and empirical questions. *Journal of Environmental Psychology* 2001;21:273-81.
 8. Kasarda JD, Janowitz M. Community attachment in mass society. *American Sociological Review* 1974;39:328-39.
 9. Hummon D. Community attachment: Local sentiment and sense of place. Low SM, Altman I. editors. *Place attachment*. New York: Plenum; 1992.
 10. Massey D. A global sense of place. Barnes T, Gregory D. editors. *Reading human geography*, London: Arnold; 1997:23-315.
 11. Steele F. *The sense of place*. Massachusetts: CBI Publishing Company; 1981.
 12. Hay R. Sense of place in development context. *Journal of Environmental Psychology* 1998; 18:5-29.
 13. Stedman RC. Is it really a social construction? The contribution of physical environment to Sense of place. *Society and Natural Resources* 2003;16: 671-85.
 14. Relph E. *Place and placelessness*. London: Pion Limited; 1976.
 15. Proshansky HM, Fabian AK, Kaminoff R. Place-identity: Physical world socialization of the self. *Journal of Environmental Psychology* 1983; 3:57-83.
 16. Hague C, Jenkins P. *Place identity, planning and participation*. London; New York: Routledge; 2005.
 17. Stokols D, Shumaker SA. People in places: A transactional view of settings. Harvey J, editor. *Cognition, social behavior, and the environment*, Hillsdale: Erlbaum; 1981.
 18. Bonaiuto M, Aiello A, Perugini M, Bonnes M, Ercolani AP. Multidimensional perception of residential environment quality and neighbourhood attachment in the urban environment. *Journal of Environmental Psychology* 1999;9:331-52.
 19. Tuan YF. Rootedness versus sense of place. *Landscape* 1980;24:3-8.
 20. Riger S, Lavrakas PJ. Community ties: Patterns of attachment and social interaction in urban neighborhoods. *American Journal of Community Psychology* 1981;9:5-66.
 21. Scannell L, Gifford R. Defining place attachment: A tripartite organizing framework. *Journal of Environmental Psychology* 2010; 30:1-10.
 22. Twigger R, Uzzell DL. Place and identity processes. *Journal of Environmental Psychology* 1996; 16:205-20.
 23. Tuan YF. *Space and place: The perspective of experience*. Minneapolis: University of Minnesota Press; 1977.
 24. Riley R. Attachment to the ordinary landscape. Low SM, Altman I, editors. *Place attachment*. New York: Plenum Press; 1992.
 25. Low SM, Mc Donogh GW. Remapping the city: Place, order and ideology. *American Anthropologist* 2001;103:5-6.
 26. Rapaport A. *The meaning of the built environment, a nonverbal communication approach* [F. Habib trans]. Tehran: Urban Planning and Processing Publications; 2005.[Persian].
 27. Gifford R, Hine D, Muller-Clemm W, Shaw K. Why architects and laypersons judge buildings differently: Cognitive properties and physical bases. *Journal of Architectural and Planning Research* 2002;19:131-48.
 28. Rubinstein RL, Parmelee PA. Attachment to place and representation of the life course by the elderly. Low SM, Altman I. editors. *Place attachment*. New York: Plenum Press; 1992.
 29. Rivlin L. The neighborhood, personal identity and group affiliation. Altman I, Wandersman A, editors. *Neighborhood and Community Environments*. New York: Plenum Press; 1987.
 30. Green R. Meaning and form in community perception of town character. *Journal of Environmental Psychology* 1999;19:311-29.
 31. Brown BB, Perkins DD. Disruptions in place attachment. Low SM, Altman I, editors. *Place attachment*. New York: Plenum Press; 1992.
 32. Oswald F, Wahl HW. Housing in old age: conceptual remarks and empirical data on place attachment. *IAPS Bulletin of People-Environment Studies* 2001; 19:7-11.
 33. Milligan MJ. Interactional past and potential: The social construction of place attachment. *Symbolic Interaction* 1998;21:1-33.
 34. Lang J. *Creating architectural theory: The role of the behavioral sciences in environmental design* [A. Eynifar, trans]. Tehran: Tehran University Publications; 2000.[Persian].
 35. Rollero Ch, De Piccoli N. Place attachment, identification and environment perception: An empirical study. *Journal of Environmental Psychology* 2010; 30:198-205.
 36. Vaske JJ, Kobrin KC. Place attachment and

- environmentally responsible behavior. *The Journal of Environmental Education* 2001; 32:16-21.
37. Kaltenborn BP. Effects of sense of place on responses to environmental impacts: A study among residents in Svalbard in the Norwegian high Arctic. *Applied Geography* 1998;18:169-89.
38. Solso RL. *Cognitive psychology* [F. Maher, trans]. Tehran: Roshd; 2002.[Persian].
39. Conway MA. Sensory-perceptual episodic memory and its context: Autobiographical memory. *Philosophical Transactions of the Royal Society of London. Series B: Biological Sciences* 2001;356:1375-84.
40. Rumelhart DE, Norman D. Representation in memory. Atkinson RC, Herrnstein RJ, Lindzey G, Luce RD, editors. *Stevens' handbook of experimental psychology, learning and cognition*. NewYork: Wiley; 1988: 511-87.
41. Conway MA. Memory and the self. *Journal of Memory and Language* 2005;53:594-628.
42. Norman LM. *Principles of psychology* [M. Saatchi, trans]. Tehran: Amir Kabir; 2000.[Persian].
43. Toit JL. *A Typology of Designs for Social Research in the Built Environment* [dissertation]. J. Mouton: Stellenbosch Univ; 2010.
44. Kharrazi k. The impact of cognitive science on modern psychology. *Journal of Advances in Cognitive Science* 2006;4:77-81.[Persian].